

مسئله گی حجاب؛ از بحران داخلی تا بشارت تمدنی



شناسه خبر: ۱۴۱۴۹۷ پنجشنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ - ۰۹:۱۴

حجاب یک بحران مزمن و حل نشده ۱۰۰ ساله است که عملیات تمام عیار شناختی دشمن آن را به بحرانی آشوب‌زا تبدیل کرد اما برخلاف وضعیت داخلی وقتی مسئله حجاب در سطح تمدنی مطرح می‌شود، اتفاقاً خیلی امیدوار می‌شویم و به میزان قدرت نرم و فرهنگی خودمان پی می‌بریم.

به گزارش خبرنگار فرهنگی موج خبر - طیبه مجردیان: مدرسه اندیشه‌ورزی رها نشستی با موضوع حجاب برگزار کرد. حجت الاسلام دکتر محمدرضا کدخدایی؛ مدیر گروه مطالعات جنسیت و خانواده موسسه شناخت یکی از سخنرانان حاضر در این نشست بودند و در راستای تحلیل وضعیت کنونی حجاب در کشور بحثی با عنوان "فتنه کشف حجاب و مقابله تمدنی غرب با انقلاب" ارائه کرد که در ادامه می‌خوانید.

حجاب به مثابه پدیده بحرانی

موضوع حجاب را می‌توان از سه زاویه و سه مدل مورد بحث و بررسی قرار داد؛ حجاب به مثابه بحران اجتماعی. حجاب به مثابه پدیده آشوب‌زا و حجاب به مثابه نماد جنگ تمدنی اسلام و غرب. ناظر بر این مدل‌ها نکاتی را خدمت شما عرض می‌کنم.

موضوع حجاب در جامعه ما یک عقبه تاریخی دارد. یکسری اتفاقات و تحولات در بحبوحه تجدد در ایران یعنی بعد از دوره قاجار و از ابتدای مشروطه به وقوع پیوست و روی موضوع حجاب متمرکز شد. از طرفی به دلیل ارزش‌های دینی جامعه ایران از همان زمان، حجاب به یک موضوع هویتی تبدیل شد. ما این عقبه تاریخی و فرهنگی را باید در نظر بگیریم. این عامل زمینه‌ای حجاب در جامعه ماست.

در دوره پهلوی دوم و بعد از انقلاب هم دو عامل باعث شد مسئله حجاب و آن عامل زمینه که یک مسئله مقطعی بود به شکل یک مسئله مزمن اجتماعی ضریب بگیرد؛ یکی مدرنیته و اجرای ناقص الگوهای توسعه در ایران بعد از انقلاب است. البته قبل از انقلاب هم همین‌گونه هست اما بعد از انقلاب قضیه خیلی فرقی نکرد و برنامه‌های توسعه ادامه پیدا کرد و تحت تاثیر همین برنامه‌های توسعه، مسئله تاریخی حجاب ضریب می‌خورد. در دوران جنگ موضوع حجاب به کمون می‌رود و الا هم قبل از جنگ و هم بعد از جنگ، حجاب مسئله اجتماعی ما بود و هست.

بنابراین دو عامل اصلی یکی مدرنیته و اجرای ناقص الگوهای توسعه در ایران است و دیگری هم مقاومت نظام سرمایه‌داری درباره این نماد یعنی حجاب باعث می‌شود حجاب به یک بحران اجتماعی تبدیل شود.

اما عوامل مداخله‌گری هم وجود دارد که باعث می‌شود حجاب خصوصاً در دهه 90 در حد بحران، ضریب بخورد. یکی از این عوامل، اقتضائات دوران گذار برای سیاست‌گذاری و اجرای الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت است. این گذار در ترکیه هم اتفاق افتاد، ترکیه‌ای که مسلمان و اکثراً اهل سنت هستند و اتفاقاً اهل تسنن بیشتر دغدغه احکام شرعی دارند مثل سیستان و بلوچستان و بعضی از شهرهای جنوبی ما یا بعضی از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که بافت عمومی این مناطق نسبت به حجاب خیلی پایبندتر هستند اما چه می‌شود که در ترکیه بحران حجاب اتفاق نمی‌افتد؟ چون این کشورها در مدار الگوهای توسعه می‌افتند و هیچ آلترناتیوی هم برای توسعه غربی ندارند. ما هم بعد از انقلاب، الگوهای توسعه را رها نکردیم ولی یک مضمونی داریم اجمالاً به نام الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که هنوز محقق هم نشده و در

گام اولش هستیم اما همین تضاد یک عامل مداخله گر می شود و به عوامل اصلی تبدیل حجاب به یک مسئله بحرانی، ضریب می دهد.

حجاب به مثابه پدیده آشوب‌زا

بحث دیگر موضوع حجاب به مثابه یک پدیده آشوب‌زا است. مسئله حجاب تا یک زمانی مسئله بحرانی است. عرض کردم که حجاب بعد از انقلاب خصوصاً در دهه 90 به بحران تبدیل شد. این بحران در دهه 90 به حد آشوب رسید.

لازم به ذکر است ما یک مسئله داریم. یک مسئله اجتماعی داریم. این مسئله زمانی که ضریب بخورد حالت بحرانی پیدا می کند. وقتی بیشتر ضریب بخورد حالت آشوب‌زا پیدا می کند و باز بیشتر ضریب بخورد به جنگ داخلی ختم می شود. معیار همه این‌ها هم نظم اجتماعی است یعنی ما داریم موضوع حجاب را در حد کلان اجتماعی مطرح می کنیم.

مقاطعی که موضوع حجاب بحرانی شد را کم و بیش داریم. اما حجاب در دو زمان عملاً به یک پدیده آشوب‌زا تبدیل شد. یکی قبل از انقلاب در زمان رضا شاه است، همان کشت و کشتار و درگیری‌های اجتماعی. یکی هم سال 1401 که حجاب به مثابه پدیده آشوب‌زا طرح شد. حجاب به مثابه پدیده آشوب‌زا بعد از انقلاب فقط در سال 1401 اتفاق افتاد. و این تنها تجربه ما بود.

این سوال مطرح می شود که چه عواملی در جهت تبدیل حجاب به امر آشوب‌زا بعد از انقلاب نقش داشت؟ یکی از عوامل زمینه‌ای، عقبه حجاب در ایران به مثابه یک مسئله مزمن اجتماعی است. یعنی از زمان مشروطه تا به الآن این مسئله وجود دارد و یک مسئله مزمن 100 ساله است. قبل از انقلاب مسئله حجاب داشتیم، بعد از انقلاب هم داشتیم و این مسئله تطوراتی داشته است. بعد از انقلاب یک شوک وارد شد، زمان جنگ یک مقدار به کمون رفت. دوباره بعد از جنگ در دوران سازندگی و اصلاحات تطورات مختلفی داشته، دهه 90 دوران بحرانی‌اش بود. در سال 1401 هم به یک پدیده آشوب‌زا تبدیل شد. یکی از عوامل زمینه‌ای دیگرش هم این است که این مسئله با وجود اینکه دغدغه حاکمیت و دغدغه اجتماعی است اما حل نشده است.

اما عامل اصلی آشوب‌زا شدن حجاب در سال 1401؛ با توجه به نتایج پژوهش گسترده‌ای که ما در موسسه شناخت و بر اساس پیمایش‌ها، پژوهش‌های کیفی و کمی و رصدی و نخبگانی و گروه‌های قانونی انجام دادیم، کار مفصلی که تبدیل

به هفت اثر مکتوب برای موسسه شد بحث عملیات شناختی دشمن است. یعنی اگر عملیات شناختی دشمن در بحبوه جنگ ترکیبی 1401 در بستر رسانه نبود این پدیده آشوب‌زا نمی‌شد. سیرش را داشت طی می‌کرد، نمی‌گوییم مشکلی نداشتیم این مشکل بوده و هست اما ضریب رسانه‌ای پیدا کرد و واقعاً در این مدت یک عملیات منسجم شناختی داشتیم. همه قوای جبهه رقیب که یک جبهه گسترده هم بود و حداقل حدود چهل و خورده‌ای کشور درگیرش بودند، پای یک جنگ تمام عیار ترکیبی آمدند. این جنگ همه سنخ‌ها را هم داشت؛ جنگ سخت، جنگ نرم، جنگ روانی، جنگ نیمه سخت، جنگ رسانه‌ای، جنگ دیپلماتیک، همه این‌ها را داشت.

اما عامل اصلی که باعث شد آمریکا و اروپای غربی پای این جنگ بیایند، چه بود؟ عوامل مختلفی دارد ولی یکی از مهمترین عوامل و دغدغه اصلی آمریکا بریکس بود و دغدغه اصلی اروپا هم موضوع تحریم‌هایی بود که به سمت خودش برگشته بود و اروپا را در یک فشار اقتصادی و اجتماعی قرار داده بود. همان زمستان سرد و موضوعات مختلفی که اروپا را درگیر کرده بود. پس عامل این مسئله خود بحث حجاب نیست.

مگر ما مسئله در جامعه کم داریم؟ آیا باید حتماً به آشوب و جنگ داخلی تبدیل شود؟ ما مسائل مهم‌تر هم داریم اما چرا آشوب‌زا نشدند؟ چون در بحث حجاب عملیات شناختی دشمن در فضای مجازی و رسانه را داریم. عامل اصلی آشوب‌زا شدن، مداخله از سمت غرب است. این نتیجه یک ادعا نیست حتی می‌شود میان نخبگان؛ چه نخبگان موافق حاکمیت و چه نخبگان مخالف حاکمیت به یک توافق اجمالی رسید که حجاب زمانی مسئله آشوب‌زا شد که غرب با دستگاه رسانه‌ای خودش پای کار آمد. این عامل اصلی بود اما عوامل مداخله‌گر عبارت‌اند از ابعاد دیگر جنگ ترکیبی مثل جنگ دیپلماتیک و... غرب تقریباً همه قوای خودش را در فتنه حجاب پای کار آورد. یک عامل دیگر هم ضعف تدافعی و بی‌ایدگی و اختلاف و انفعال در شیوه مواجهه با بحران حجاب در جبهه انقلاب است.

حجاب به مثابه نماد جنگ تمدنی اسلام و غرب

این هم مدل دوم اما نکته سوم ناظر بر بحث تمدنی است. اجمالاً بگوییم دو مدل قبلی، مدل‌های سیاه و نگران‌کننده‌ای هستند یعنی وقتی ما گزارش‌های آنها را در سطح نظم اجتماعی و مسئله‌شدگی مزمن و آشوب‌زایی می‌بینیم، نگران می‌شویم. اما

برخلاف وضعیت داخلی حجاب که نگران‌کننده هست وقتی مسئله حجاب در سطح تمدنی مطرح می‌شود، خیلی امیدوار می‌شویم و به میزان قدرت نرم و قدرت فرهنگی خودمان پی می‌بریم و متوجه می‌شویم چرا غرب روی

بحث حجاب متمرکز شده است؟ خود این موضع گیری، اهمیت پدیده حجاب را می‌رساند. این یک جنگ واقعی است که بالاخره در این جنگ آسیب، کشته، مجروح و اسیر وجود دارد.

این بحث مفصل است اما یک نگاه اجمالی می‌کنم و در مورد آن چند نکته را می‌گویم. در موضوع حجاب به مثابه جنگ تمدنی اسلام و غرب هم سه عامل وجود دارد. اینجا دیگر حجاب را مسئله‌مزمّن و آشوب‌زای ایران نمی‌بینیم. باید این موضوع را در نگاه تمدنی نگاه کنیم.

یک مچ اندازی بین تمدن اسلام و غرب است که ببینیم کدام تمدن از این درگیری، پیروز بیرون می‌آید؟ چه بسا اینجا یک نکته مثبت و بشارت برای نگاه تمدنی است اما یک تهدید و هشدار برای نگاه نظامی است. در جنگ‌های تمدنی چه بسا پیش‌بینی جدی این باشد که تمدن اسلام پیروز می‌شود و شاخص‌های آن هم خیلی زیاد است. اما معلوم نیست آن جامعه‌ای که بستر این جنگ تمدنی باشد الزاماً قوایش را از دست ندهد و زمین گیر نشود، روی این موضوع است که ما یک مقدار مسئله داریم و الا ساز و کارهای این جنگ تمدنی دارد نشان می‌دهد که این تمدن اسلامی است که دارد اوج می‌گیرد و تمدن غربی رو به افول است. اما من همیشه روی این تاکید می‌کنم؛ همان قدر که ما از افول آمریکا و تمدن غرب صحبت می‌کنیم و متقابلاً روی تعالی تمدن اسلامی تاکید می‌کنیم اما این الزاماً به معنای عدم افول ایران نیست البته به لحاظ جنبه فرهنگی عرض می‌کنم. بالاخره وقتی دو پایگاه با هم درگیر می‌شوند یک پایگاه آمریکا و دیگری ایران، بالاخره این درگیری‌ها جوامع را ضعیف می‌کند و اگر در این سازوکارها نتوانند قدرت خودشان را بازیابی کنند، چه بسا تمدن مسیر خودش را می‌رود اما پایگاه عوض می‌شود یا به امت اسلامی منتقل شود که الزاماً با مرز جغرافیایی شناخته نمی‌شود.

مثل قضیه فضای مجازی که یک نگاه شبکه‌ای دارد، نگاه دینی به امت اسلامی هم یک نگاه شبکه‌ای است و چه بسا به این شکل توسعه پیدا کند.

اجملاً حجاب به مثابه یک موضوع جنگ تمدنی بین اسلام و غرب دو عامل زمینه‌ای دارد؛ یکی توزیع و تکثیر جمعیتی مسلمانان در جوامع توسعه یافته است، چه توسعه یافته غربی و چه شرقی و خصوصاً در جوامع غربی. عامل زمینه دیگر و مکمل این عامل هم انقلاب ایران است که یک نفوذ فرهنگی ایجاد کرد و اساساً باعث شد جنگ تمدنی شکل بگیرد. یعنی تمدن اسلام یک پایگاه قوی به نام انقلاب اسلامی ایران پیدا کرد.

دو عاملی که بیان شد عوامل زمینه‌ای هستند اما عامل اصلی که باعث رشد حجاب و جنگ تمدنی شده است؛ یکی بحث قدرت خانواده و زوجیت در اسلام است و دیگری دوسویگی و جنسیت‌زدایی غرب است. برخلاف بعضی که معتقد هستند ما در موضوع خانواده در مقام ضعف و دفاع هستیم، واقعش این است که اینگونه نیست. قدرت خانواده در دین اسلام به لحاظ فرهنگی زیاد است. همین الان با وجود اینکه کل جهان با مشروعیت‌زدایی از خانواده روبرو است، جامعه اسلامی اینگونه نیست. حتی در قشر سکولار جوامع اسلامی هم، خانواده قدرت قابل ملاحظه‌ای دارد و این یک عامل اصلی برای ایجاد جنگ تمدنی است. این در حالی است که غرب با موضوع مردوارگی و دوسویگی و جنسیت‌زدایی مواجه است و به قول مقام معظم رهبری این موضوع باعث فروپاشی تمدنی‌شان می‌شود. البته این خطر را ما هم داریم اما هنوز در تمدن اسلامی، خانواده و زوجیت قدرتمند است. این عامل باعث می‌شود تمدن اسلامی و غربی با هم می‌بندازند؛

تمدن غربی تفوق صنعتی و نظامی و فرهنگی و علمی و همه این‌ها را پیدا کرده و تمدن اسلامی چه بسا در حاشیه باشد اما با تحریک آن عامل زمینه که انقلاب ایران و نفوذ فرهنگی ایران است، ظرفیت قابل ملاحظه‌ای برای جهانی شدن دارد. عامل مداخله‌گری هم که به این جنگ تمدنی ضریب می‌دهد، اتحاد دولت‌ها و ملت‌های اسلامی بر مبنای فرهنگ دینی است. ایده امت اسلامی در بحث دین مطرح بوده و هست به علاوه اینکه فضای مجازی با اینکه یک قتلگاه و شر عظیم است اما از آن طرف یک خیر عظیم هم هست که نگاه امت‌گونه و شبکه‌مند این تفکر و فرهنگ را گسترش می‌دهد.

عامل مداخله‌گر دیگر هم تکرر فرهنگی و گسست فرهنگی است. یعنی اتحاد دولت‌ها و ملت‌های اسلامی بر مبنای فرهنگ دینی اسلامی دارد اوج می‌گیرد اما از آن طرف در جوامع غربی با ایده‌های پلورالیسم فرهنگی شاهد یک تکرر و گسست و گسل فرهنگی هستیم که آنها را ضعیف می‌کند. همه این‌ها قاعدتاً عاملی در جهت تقویت این جنگ تمدنی است.

پایان پیام/

انتهای پیام/